

نقش عدالت مالیاتی در توسعه متوازن جغرافیایی و کارآیی اجتماعی در اقتصاد اسلام

مجید امیرپور سرخی^۱

دانش آموخته علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

هیچ تعریف کاملاً مشخص و پذیرفته شده عمومی از یک نظام مالیاتی عادلانه وجود ندارد. زیرا هر نظام اقتصادی متناسب با جهان بینی حاکمان و قانونگذاران خود این مفهوم را تعریف می‌کند. اما به طور خلاصه در تعریف عدالت مالیاتی باید گفت نظام مالیاتی مترقی و عادلانه آن نظامی است که اخذ مالیات و نرخ آن از یک سو و نوع مالیات و محل مصرف آن از سوی دیگر و چه در رویه اخذ مالیات، مواردی مانند فرار مالیاتی، فساد و رشوه‌گیری وجود نداشته باشد و بر اساس معیارهای عادلانه صورت گیرد. اما در این بین موضوعی که نباید نادیده گرفته شود، بحث کارایی مالیاتی نیز می‌باشد؛ یعنی باید تخصیص بار مالیاتی به افراد هم عادلانه و هم کارآمد باشد. بر اساس ضرورت دو جنبه کارایی و عدالت مالیاتی، در تحقیق حاضر به بررسی این ارتباط پرداخته شد. بر همین اساس، در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که اساساً هر سیستم مالیاتی باید بر اساس دو معیار اصلی استوار باشد: معیار کارایی و عدالت یا برابری. واقعیت این است که زمانی سیستم مالیاتی مطلوب یا بهینه است که همزمان به این دو معیار توجه خود را معطوف دارد.

کلیدواژه‌گان: عدالت مالیاتی، اقتصاد اسلامی، توسعه متوازن جغرافیایی، کارایی اجتماعی.

مقدمه

نظام مالیاتی یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های مالی یک نظام اقتصادی است، یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه لازمه یک نظام اقتصادی قوی است. کشوری می‌تواند قوی و پیشرفته بشود که یک نظام مالیاتی مترقی و عادلانه داشته باشد. دولتی که بتواند از یک اقتصاد مولد، درون‌زا و رو به رشد، به درستی و بر پایه عدالت مالیات دریافت کند، در حقیقت موتور محرک توسعه پایدار اقتصادی را به حرکت درآورده است. نظام مالیاتی اصلی‌ترین کارکرد را در ایجاد توازن و تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی برعهده دارد. علی‌رغم اهمیت درآمدهای مالیاتی به عنوان یکی از منابع درآمدی دولت، این درآمدها هنوز جایگاه خود را در ساختار اقتصادی کشور ایران به خوبی پیدا نکرده‌اند. یکی از دلایل این موضوع وجود منابع نفتی در کشور و اتکای اقتصاد کشور به این نوع درآمد است. با توجه به نقش گسترده و قابل توجه دولت در جهت‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، ضروری است که بحث چگونگی وصول درآمدهای حقیقی مالیاتی مورد بحث قرار گیرد تا بر اساس آن نظام مالیاتی به نحوی اصلاح گردد که درآمدهای مالیاتی در زمان مقرر برای ارائه بهتر خدمات عمومی دولت تأمین گردد (امین‌رشتی و ارشد، ۱۳۹۲).

معمولاً نظریات گوناگونی در این مورد وجود دارد که عادلانه چه معنایی می‌دهد؛ زیرا انواع بسیار متنوعی از اعتقادات اخلاقی و شیوه‌های بسیار زیادی وجود دارد که می‌توانند در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. اما به این دلیل که این بحث جوهره اصلی بسیاری از بحث‌های دنیای واقعی است، اقتصاددانان تمایل به تمرکز بر روی مفهوم ویژه‌ای از آن یعنی ارتباط بین کارایی و دنبال کردن عدالت بیشتر دارند که معمولاً رابطه عدالت-کارایی نامیده می‌شود، زیرا در اکثر موارد پیگیری کردن عدالت منجر به نقصان در کارایی می‌گردد (پرهیزکاری، ۱۳۹۹).

بر همین اساس، در تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین کارایی و عدالت مالیاتی در اقتصاد اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در ادامه تحقیق، ابتدا مفهوم و اصول عدالت مالیاتی معرفی می‌شود. سپس مفاهیم مربوط به کارایی مالیاتی ارائه می‌گردد. در نهایت نیز ارتباط بین عدالت و کارایی مالیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت نیز به جمع‌بندی مطالب پرداخته خواهد شد. به طور کلی تحقیقات علمی را بر اساس چگونگی بدست آوردن داده‌های مورد نیاز (طرح تحقیق) می‌توان به دو دسته تحقیق توصیفی و تحقیق آزمایشی تقسیم نمود. تحقیق توصیفی موقعیت یک پدیده را در یک زمان توصیف می‌کند این روش هیچگونه فرضیه‌ای را پیشنهاد نمی‌کند روابط متغیرها را مورد مطالعه قرار نمی‌دهد و برای اقدامات بعدی توصیه‌ای نمی‌کند بلکه صرفاً موقعیت موجود را توصیف می‌کنند. مشابه فرآیندی که در تحقیق حاضر صورت خواهد گرفت. بر این اساس، تحقیق حاضر، از نوع توصیفی می‌باشد و بر اساس روش توصیفی، به بررسی ارتباط بین کارایی و عدالت مالیاتی در سیستم اقتصاد اسلامی کشور ایران پرداخته خواهد شد (خاکی، ۱۳۹۶).

مفهوم و اصول عدالت مالیاتی

مالیات بر اساس تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، پرداختی است الزامی و بدون بازگشت که به شخص، مؤسسه، دارایی و غیره تعلق گیرد. به عبارتی روشن‌تر مالیات وجوهی است که دولت باید برای تأمین هزینه‌های عمومی از اشخاص برپایه قانون اخذ نماید. عدالت نیز یک مفهوم ارزشی است و براساس قضاوت‌ها و معیارهای مختلف ارزشی به صورت‌های متفاوت تعبیر و تفسیر می‌گردد. صاحب‌نظران معتقدند که مفهوم عدالت نتیجه تفکر و رضایت اجتماعی است. در متون اقتصادی اصل مالیات عادلانه و مترقی، اولین بار توسط آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ میلادی در کتاب ثروت ملل بیان شده است. او چهار اصل را برای یک نظام مالیاتی مطلوب بیان می‌کند:

۱. اصل عدالت و برابری: بار مالیات باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات دهنده بستگی داشته باشد.

۲. اصل معین و مشخص بودن: میزان مالیات پرداختی، زمان پرداخت و طریقه پرداخت باید دقیقاً مشخص و معین باشد.

۳. اصل سهولت یا سهل الوصول بودن: کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مد نظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریقه پرداخت باید با توجه به حداقل فشار ممکن باشد.

۴. اصل صرفه جویی: بر اساس این اصل، در جمع آوری مالیات باید حداکثر صرفه جویی به عمل آید و هزینه جمع‌آوری آن به حداقل ممکن برسد (پورغفار و حسین زاده، ۱۳۹۴).

در این میان عدالت مالیاتی به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های یک نظام مالیاتی کارآمد و مطلوب محسوب می‌گردد. عدالت مالیاتی یک مفهوم ارزشی است که بر اساس قضاوت‌ها و معیارهای مختلف ارزشی به صورت‌های متفاوت تعبیر و تفسیر می‌شود، اما از نظر کارشناسان این حوزه، دو نوع تعبیر و تفسیر از این مفهوم وجود دارد که تحت عنوان عدالت مالیاتی افقی و عدالت مالیاتی عمودی شناخته می‌شود.

۱. عدالت مالیاتی افقی: اصل عدالت مالیاتی افقی به شرایط مشابه و برابر افراد و اشخاص مشمول مالیات اشاره دارد. به همین سبب برای دستیابی به آن باید شرایط یکسان برای افراد فراهم کرد تا بر اساس آن به گونه‌ای برابر مشمول پرداخت مالیات شوند. به همین سبب عدالت افقی مالیاتی را باید در واقع گونه‌ای رفتار برابر با اشخاص در موقعیت‌های برابر دانست، هر چند که این افراد درآمدهای خود را از طریق گوناگون به دست آورده باشند.

۲. عدالت مالیاتی عمودی: مقصود از عدالت مالیاتی عمودی نیز این است که وضع مالیات‌ها باید به گونه‌ای باشد که با شهروندان و اشخاصی که از جایگاه اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند به گونه‌ای نابرابر برخورد کند. مقصود از برخورد نابرابر این است که به توانایی و عدم توانایی پرداخت

مالیات توسط برخی اشخاص و شهروندان که وضعیت اقتصادی محروم‌تر از دیگران دارند، توجه شود. لذا نرخ مالیاتی برای تحقق عدالت عمودی باید تصاعدی باشد و با توجه به افزایش درآمد افراد افزایش یابد (شهسواریان و شعبانی، ۱۳۹۹).

در همین راستا، عدالت مالیاتی سه اصل اساسی دارد:

۱. نرخ مالیات باید به گونه‌ای باشد که همه افراد به خصوص ثروتمندان و شرکت‌ها به صورت عادلانه مالیات خود را پرداخت کنند. بدین معنی که ثروتمندانی که از منافع ملی بیشتر استفاده کرده‌اند و ثروت بیشتری به دست آورده‌اند، باید سهم بیشتری در پرداخت مالیات داشته باشند.

۲. درآمدهای مالیاتی باید برای سرمایه‌گذاری‌های باارزش و در جهت ثبات در اقتصاد مصرف شود.

۳. نظام مالیاتی عادلانه باید به ساخت یک جامعه عادلانه‌تر و کاهش نابرابری که به واسطه معافیت‌های مالیاتی ثروتمندان ایجاد شده است، کمک کند. اصلاح قوانین مالیاتی در راستای عدالت باید سبب بهره‌مندی و منفعت بیشتر برای خانواده‌های کم‌درآمد شود. سیاست‌های مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که کارگران کم‌درآمد تحت فشار بیشتری برای پرداخت مالیات قرار نگیرند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷).

دیدگاه‌های رایج در رابطه با اجرای عدالت مالیاتی نیز شامل سه دیدگاه زیر می‌باشد:

نظریه قدرت پرداخت:

براساس این نظریه هرکس که قدرت توانایی بیشتری در پرداخت انواع مالیات داشته باشد باید مالیات بیشتری بپردازد.

نظریه نفع حاصل از خدمات:

براساس این نظریه پرداخت انواع مالیات متناسب با منافع حاصله از خدمات دولت می‌باشد. مشکلی که این روش دارد عدم اندازه‌گیری درست و صحیح در استفاده از خدمات برای افراد است.

نظریه عدالت مالیاتی در راستای عدالت اجتماعی:

براساس این نظریه قدرت مالیات‌بندی بر توزیع مجدد درآمد از طبقات بالاتر به طبقات پائین‌تر اجتماع است و تقریباً همه بار مالیاتی را بردوش طبقات ثروتمند جامعه تحمیل می‌نماید. در کشورهای در حال توسعه اغلب فشارهای مالیاتی روی قشر فقیر و آسیب‌پذیر است و افرادی که دارای درآمدهای متوسط هستند به‌طور نسبی مالیات‌های کمتری می‌پردازند، کسانی هم که درآمدهایی غیر از حقوق و دستمزد دارند و یا دارای درآمد حاصل از مشاغل هستند مالیات واقعی خود را نمی‌پردازند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه مالیات‌های وصول شده از ثروتمندان کم و ناکافی است. بنابراین عدالت مالیاتی برقراریست (جلالوند و شهیکی تاش، ۱۳۹۲).

مفهوم و اصول کارایی مالیاتی

کارایی به معنای انجام درست کار و رسیدن به یک سطح خروجی مورد انتظار از یک یا چند ورودی مشخص است. کارایی به معنای تولید کمترین مقدار ضایعات و کمترین میزان هزینه است، به طوری که کمیت و کیفیت ثابت نگه داشته شود. در مورد کارایی، باید به این نکته توجه کرد که آیا قانون مربوطه از نظر اجرای سیاست‌های مالیاتی، کارایی و اثربخشی را دارد. به عبارت دیگر قانونی کارآ و اثربخش است که نتیجه‌ی مورد نظر از تصویب آن حاصل شود. به عنوان مثال یکی از اهداف قانون برای الزام مؤدیان مالیات بر شرکت‌ها به منظور رای‌های اظهارنامه و ترازنامه و سود و زیان، می‌تواند شناخت کامل از نحوه‌ی گردش مالی یک شرکت در اقتصاد و استفاده از اطلاعات مالی این شرکت برای ردیابی مفاسد مالی بنگاه‌های دیگر باشد. چنانچه این هدف قانونگذار، با ارائه‌ی درست ترازنامه و سود و زیان شرکت‌ها حاصل شود می‌گوییم قانون، کارآ (اثربخش) بوده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

بطور کلی نظام مالیاتی بهینه باید هر گونه تحولات توسعه‌ی آن را در خود جای دهد و اصل عدالت، کارایی و اثربخشی را در خود داشته و از ابهام و ضعف مبرا باشد. آدام اسمیت اقتصاددان معروف چهار اصل عمده را به عنوان اصول یک نظام مالیاتی مطلوب بیان می‌کند:

۱. اصل عدالت و برابری: براساس این اصل بار مالیات باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات دهنده بستگی داشته باشد. وی مالیات تناسبی را به عنوان مالیاتی عادلانه تلقی می‌کند.

۲. اصل معین و مشخص بودن: براساس این اصل، مبلغ مأخذ مالیات، زمان پرداخت و طریقه پرداخت باید دقیقاً مشخص و معین باشد.

۳. اصل سهولت یا سهل الوصول بودن: براساس این اصل، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مدنظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریقه پرداخت باید باتوجه به حداقل فشار ممکن باشد.

۴. صرفه‌جویی: براساس این اصل، در جمع‌آوری مالیات باید حداکثر صرفه‌جویی به عمل آید و هزینه جمع‌آوری آن به حداقل ممکن برسد.

پس آن دسته از مالیات‌ها که باعث کاهش درآمد واقعی مؤدیان بیش از مبالغی شود که به دولت انتقال یافته است، در اوضاع اقتصادی ایجاد اختلال می‌کنند. کاهش درآمد واقعی را به اصطلاح هزینه‌ی کارایی اقتصادی می‌نامند. علاوه بر این هر سیستم مالیاتی که به درستی طراحی و اجرا نشود ممکن است شرکت‌ها و اشخاص حقیقی را به اتلاف منابع به دلیل فرار قانونی و غیرقانونی مالیاتی وادار کند. زیرا برخی از مؤدیان برای کاهش درآمد مشمول مالیات خود، ممکن است هزینه‌های اضافی و غیر لازم برای خود یا مؤسسات خویش انجام دهند (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۷).

وضعیت توسعه در استان های ایران

توسعه و توازن منطقه ای در کنار توسعه همگام بخشهای اقتصادی مختلف (کشاورزی، صنعت و خدمات) و توسعه اقتصاد داخلی و خارجی اجزاء کلیدی توسعه متوازن کشور را تشکیل می دهند. اهمیت توسعه و توازن منطقه ای از آنجا ناشی می شود که از یک سو چارچوب کلی از وضعیت مطلوب آینده کشور در اهداف کلی سند چشم انداز بیست ساله کشور مورد تبیین قرار گرفته و دستیابی به این اهداف نیز مستلزم حصول اهداف توسعه ای مندرج در برنامه های توسعه پنج ساله کشور می باشد. اما در یک نگاه و تحلیل علی زنجیره وار، حصول توسعه کلی کشور منوط به قرار گرفتن و حرکت همگام همه مناطق و استان های کشور در مسیر توسعه یافتگی و کاهش شکاف های توسعه ای بین آنها می باشد. از سوی دیگر توسعه و توازن منطقه ای (و در معنای ساده تر توسعه و توازن استانی) می تواند به عنوان عاملی بسیار کلیدی، موانع و مشکلات توسعه یافتگی منطقه ای (استانی) کشور که پیشتر ذکر شد (از قبیل ضعف شدید سرمایه های انسانی، مدیریتی و سازمانی، اطلاعاتی و آماری، مالی و توزیعی) را از بین برده و یا تا اندازه زیادی آنها را کاهش دهد. ضمن آنکه تسریع در ایجاد توسعه منطقه ای به عنوان یک عامل پیش برنده کلیدی دارای اثرات جانبی بسیار مساعدی بر ساختار اجتماعی و سیاسی است.

نقشه ۱. مناطق جغرافیایی ایران



منبع: <https://www.amar.org.ir>

توسعه بدون برنامه منجر به توسعه نامتوازن بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و همچنین تشدید عدم تعادل منطقه‌ای و در نتیجه آسیب‌پذیری و تضعیف وحدت ملی می‌شود. سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش، روند شکل‌گیری توسعه قطبی مناطق مشخص می‌شود و در نهایت در برنامه‌ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کم توسعه در نظر گرفته می‌شود و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می‌شود. تحلیل و مقایسه سطح برخورداری از امکانات یکی از مهمترین عوامل برای شناخت درجه توسعه یافتگی شاخص‌های مختلف است. در اثر برنامه‌ریزی نامطلوب و متمرکز گذشته کیفیت توسعه و زیرساخت‌های آن در روند توسعه نواحی کشور مسایل عمده‌ای را ایجاد کرده است. استان‌های کشور با توجه به شرایط مختلف طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از دوگانگی منطقه‌ای گسترده به شکل توسعه یافته و توسعه نیافته رنج می‌برند. این در حالی است که توسعه منطقه‌ای باید شرایط و امکانات بهتری را برای همه مردم یک منطقه فراهم کند و تفاوت کیفیت زندگی بین مناطق را کاهش دهد. بدین ترتیب ویژگی توسعه منطقه‌ای، جامع بودن و محدود نشدن به جنبه‌های اقتصادی صرف و اولویت دادن به توزیع عادلانه در همه ی مناطق در مقایسه با کم‌تر شدن تفاوت بین معیارهای زندگی است. به عبارت دیگر، توسعه، و برنامه‌ریزی برای آن، ماهیتی چند بعدی دارد و نمی‌توان برخی از ابعاد توسعه را به خاطر جنبه‌های دیگر نادیده گرفت، بلکه باید بین اهداف و ابعاد گوناگون آن سازگاری لازم را برقرار نمود (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷). رتبه‌نهایی برخورداری استان‌ها از خدمات و امکانات متفاوت است و عدم تعادل زیادی بین آنها مشاهده می‌شود. با توجه به شاخص‌های توسعه مشاهده می‌شود که در برخی نواحی برخورداری و در برخی نواحی عکس این قضیه صادق است. و این نابرابری بین استان‌ها از عدم رویکرد جامع توسعه امکانات و خدمات است. در این راستا، توسعه نامتوازن بین برخی نواحی با نواحی دیگر را در پی داشته است.

در دهه‌های اخیر رشد و توسعه مناطق به‌عنوان یکی از اهداف مهم دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. با بررسی اقتصاد منطقه‌ای کشورهای مختلف مشخص می‌شود که گرچه برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر عملکردی بهتر و درمقایسه با میانگین کشور رشد اقتصادی بالاتری دارند، با این حال فاصله مناطق به‌قدری نیست که در یک‌سو استانی هیچ‌سهمی از اقتصاد ملی نداشته و در دیگر سو، چندین منطقه همه اقتصاد ملی را ببلعند. این رشد متوازن و فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است. بی‌توجهی به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی

موجب می‌شود سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و به‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای همچنان روند توسعه‌نیافتگی مناطق ادامه یابد.

بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی سال ۱۳۹۸ از کل تولید کارگاه‌های صنعتی کشور در سال گذشته، حدود ۷۹ درصد آن مربوط به ۱۰ استان شامل تهران، خوزستان، اصفهان، بوشهر، مرکزی، هرمزگان، آذربایجان، شرقی، البرز، خراسان‌رضوی و قزوین بوده و سهم ۱۰ استان انتهایی شامل استان‌های گلستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، اردبیل، خراسان‌شمالی، خراسان‌جنوبی، سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد تنها ۳/۳ درصد است. همچنین نکته قابل‌تأمل اینکه در سال ۱۳۹۸ در حالی سهم ۱۰ استان اول از کل تولیدات صنعتی کشور حدود ۷۹ درصد است که این میزان در سال ۱۳۹۴ حدود ۷۷ درصد بوده است. در خصوص ۱۰ استان انتهایی نیز در حالی سهم این استان‌ها از تولیدات صنعتی کشور طی سال ۹۸ حدود ۳/۳ درصد است که این میزان در سال ۱۳۹۴ حدود ۳/۶ درصد بوده است. این موارد به این معنی است که طی سال‌های اخیر نه تنها کشور به سمت تمرکززدایی حرکت نکرده، بلکه جریان کلی به سمت تقویت بیمارگونه تمرکزگرایی نیز بوده است.

براساس داده‌های منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی کشور (به قیمت بازار) در سال ۹۸ برابر با ۳۳۴۸ هزار میلیارد تومان بوده که ۴۳ درصد آن در سه استان تهران، خوزستان و اصفهان رقم خورده و ۷۰ درصد آن یعنی چیزی در حدود ۲۲۸۲ هزار میلیارد تومان آن تنها در ۱۰ استان کشور بوده است. براساس آمارها ۱۰ استان شامل تهران، خوزستان، اصفهان، بوشهر، خراسان‌رضوی، فارس، آذربایجان شرقی، مازندران، البرز و کرمان از نظر تولید کالا و خدمات نهایی از دوبرابر عملکرد تولیدی ۲۱ استان بیشتر بوده‌اند. این ۱۰ استان به ترتیب ۲۳، ۱۴، ۶، ۵، ۵، ۳، ۳، ۳ و ۳ از تولید ناخالص داخلی کشور را در سال ۹۸ تشکیل می‌دهند. تولیدات هر استان و روند آن می‌تواند دماسنج خوبی برای تحلیل توصیف یک کشور یا استان از نظر متغیرهایی چون بیکاری، اشتغال و پویایی اقتصادی، قدرت خرید خانوارها و... باشد.

بر همین منظور تولیدات ۹۳۸ هزار میلیارد تومانی ۲۱ استان با وجود جمعیتی در حدود ۳۶ میلیون نفر در مقابل تولیدات ۲۲۸۲ هزار میلیارد تومانی ۱۰ استان با جمعیت ۴۸ میلیونی نشان‌دهنده توسعه نامتوازن و تمرکزگرایی شدید در استان‌های ایران است. استان‌های کردستان، سمنان، چهارمحال و بختیاری، خراسان‌شمالی و خراسان‌جنوبی نیز به ترتیب ۰/۹، ۰/۸، ۰/۶، ۰/۵ و ۰/۵ درصد را در تولید ناخالص داخلی تشکیل داده‌اند و با قرار گرفتن در انتهای جدول تقریباً سهم چندانی در تولید و درآمد کشور ندارند.

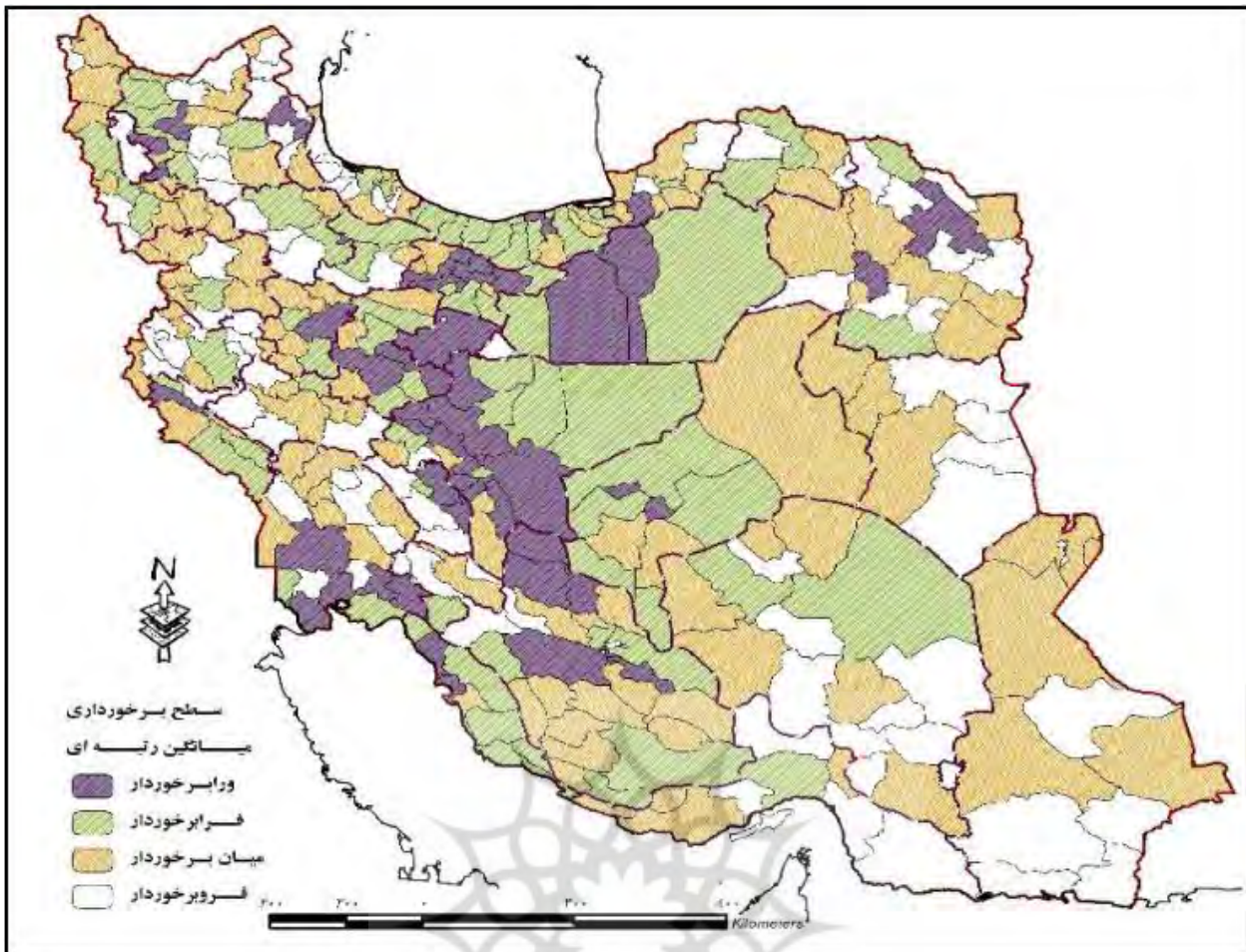
براساس آخرین آمار که مرکز آمار ایران به نقل از وزارت امور اقتصادی و دارایی در گزارش اخیر منتشر کرده، طی سال ۱۳۹۷ از مجموع ۵ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب در کشور (مستقیم و غیرمستقیم) حدود ۳ میلیارد و ۶۹۳ میلیون دلار در ۳۱ استان کشور و مابقی در مناطق آزاد جذب شده است. در بین استان‌های مختلف (بدون در نظر گرفتن مناطق آزاد)، نزدیک به ۸۹ درصد این سرمایه‌گذاری جذب شده مربوط به ۱۰ استان به

ترتیب شامل استان‌های یزد، کرمان، تهران، خراسان جنوبی، گیلان، البرز، کرمانشاه، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و فارس است. در بین استان‌هایی که بیشترین سرمایه‌گذاری را جذب کرده‌اند، استان یزد و کرمان هرکدام به ترتیب با جذب ۲۳ درصد از حجم سرمایه‌گذاری خارجی، در رتبه‌های اول و دوم قرار دارند. در رتبه سوم تهران با جذب ۷/۷ درصد و خراسان جنوبی نیز با جذب ۶/۸ درصد در رتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. همچنین طبق این آمارها ایلام، بوشهر، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد استان‌هایی هستند که در آخرین آمارها جذب سرمایه‌گذاری خارجی نداشته‌اند.

همین زمینه بررسی و تحلیل موانع کلان برنامه‌ریزی در ایران، نشان می‌دهد اصلی‌ترین عامل موثر بر فرآیند توسعه منطقه‌ای در کشور، نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی متمرکز بوده است. کاهش سطح اختلاف منطقه‌ای در موضوعات مختلف و دستیابی به اهداف توسعه متعادل و پایدار ملی، همگی در گرو حل معضلات و موانع ریشه‌ای تحقق مدیریت و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. از این رو، برای جلوگیری از افزایش شتاب نابرابری درآمدی در بین استان‌ها، سیاست‌های اقتصادی در کشور باید مبتنی بر تکالیف آمایش سرزمین و متعادل‌سازی بین جمعیت، فضا و فعالیت صورت گیرد.

اما وجود نابرابری‌های گسترده در توزیع درآمد در هر منطقه جغرافیایی اعم از یک شهر، استان یا کشور به بروز فقر و افزایش داخلی آن و ایجاد شکاف بیشتر در طبقات اجتماعی نیز منجر می‌شود. توزیع درآمد به توضیح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی می‌پردازد. به عبارتی، توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می‌کند. پدیده نابرابری درآمد نه تنها از دلایل عمده فقر است، بلکه یکی از عوامل مهارکننده رشد اقتصادی نیز محسوب می‌شود. برای سنجش وضعیت توزیع درآمد یک جامعه، از شاخص‌های آماری مختلف استفاده می‌شود که در اینجا به آمارهای ضریب جینی استناد می‌شود. عدد ضریب جینی بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمدها) و یک (حاکمی از نابرابری کامل در توزیع درآمدها یا مخارج) است.

نقشه ۲. رتبه بندی توسعه در مناطق جغرافیایی ایران



منبع: <http://jzpm.miau.ac.ir>

در این خصوص بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد میانگین ضریب جینی در کشور طی سال گذشته ۰.۳۹۹۲ بوده که این میزان در استان سیستان و بلوچستان حدود ۰.۴۴۷۹ بوده است. در استان تهران نیز این شاخص با عدد ۰.۴۰۶۲ بالاتر از میانگین کشوری بوده است. همچنین استان‌های هرمزگان، گلستان، همدان و آذربایجان غربی به ترتیب در رتبه‌های سوم تا ششم بیشترین عدد شاخص ضریب جینی را داشته‌اند. نکته مهم‌تر اینکه در حالی ضریب جینی کشور در سال گذشته به ۰.۳۹۹۲ رسیده که این شاخص در سال ۱۳۹۴ حدود ۰.۳۸۵۱ بوده و مقدار آن در استان‌های سیستان و بلوچستان و تهران نیز به ترتیب ۰.۳۵۹۴ و ۰.۳۸۶۷ بوده است. همچنین سیستان و بلوچستان طی سال گذشته در حالی به رتبه اول کشور از لحاظ نابرابری صعود کرده که در سال ۹۴ رتبه این استان سوم کشوری بوده و به جای این استان، استان گلستان رتبه اول و استان تهران رتبه دوم را داشته‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر نه تنها میانگین شاخص ضریب جینی در کشور افزایش یافته، بلکه محل اصابت سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای نیز موثر نبوده و همچنین تلاشی برای توسعه اقتصادی در بلندمدت در مناطق کمتر برخوردار صورت نگرفته است.

ارتباط بین عدالت و کارایی مالیاتی

طراحی هر نظام مالیاتی باید براساس سه اصل عدالت، کارایی و توجیه اداری - اجرایی صورت گیرد. اصل عدالت به این معناست که اخذ مالیات با برداشت جامعه از عدالت منطبق باشد. مفهوم کارایی اقتصادی این است که اخذ مالیات نباید موجب هزینه-های اضافی اجتناب پذیر برای دولت شود و در دستیابی به اهداف رشد و توزیع عادلانه خللی وارد سازد. به بیان دیگر، اخذ مالیات در صورتی موجه است که منجر به افزایش کارایی در دسترسی به این اهداف شود. مراد از توجیه اداری و تشکیلاتی نیز این است که هزینه-های اجرای نظام، نسبتی مطلق با درآمدهای کسب شده داشته باشد. اگرچه اصول فوق در شکل خود مورد پذیرش است، ولی اعمال سلیقه-های مختلف در کاربرد آنها ممکن است نتایج متفاوتی داشته باشد. تأکید زیاد بر عدالت مالیاتی ممکن است اثر نامطلوبی از نظر کارایی اقتصادی یا جنبه-های اجرایی داشته باشد. همچنین پافشاری زیاد بر دستیابی به هدف-های خاصی از رشد و استقلال اقتصادی ممکن است منجر به غیر-عادلانه شدن نظام مالیاتی شود. و بالاخره، تأکید بیش از اندازه بر جنبه-های اجرایی - تشکیلاتی نظام مالیاتی ممکن است مانع بروز نوآوری باشد که مشوق عدالت و کارایی اقتصادی است. بنابراین، مهمترین مسأله، دستیابی به ترکیب مناسبی از سه اصل یاد شده است. به طور کلی موفقیت سیاست-های مالی در دستیابی به اهدافی چون افزایش نرخ سرمایه-گذاری، تشویق سرمایه گذاری-های مطلوب اجتماعی، افزایش فرصت-های اشتغال، تثبیت شرایط اقتصادی در مقابل عدم ثبات بین-المللی، مقابله با تورم و رکود اقتصادی و باز توزیع درآمد ملی می-باشد که رسیدن به این اهداف، به حجم و چگونگی جریان درآمدها و هزینه-های عمومی دولت بستگی دارد. لذا مالیات-ها به عنوان مؤثرترین ابزار سیاست مالی برای رسیدن به اهداف مزبور مطرح می-باشد. کارایی سیاست-های مالیاتی نیز به ساختار نظام مالیاتی کشور در دو بعد قوانین و نظام اجرایی بستگی دارد (جلالوند و شهیکی تاش، ۱۳۹۲).

بطور کلی نظام مالیاتی بهینه باید هر گونه تحولات توسعه‌ای را در خود جای دهد و اصل عدالت، کارایی و اثربخشی را در خود داشته و از ابهام و ضعف مبرا باشد. گذشته از این، یک نظام مالیاتی مطلوب در دو بعد قوانین مالیاتی و مسایل اجرایی نیز می‌بایست از خصوصیات مشروحه ذیل برخوردار باشد:

۱. ساده، صریح و بدون ابهام باشد. این ویژگی در مشارکت مؤدیان در پرداخت به موقع مالیات نقش مهمی ایفا می کنند.
۲. در طراحی نظام مالیاتی می بایست به بهبود مدیریت مالیاتی توجه کافی شود.
۳. در طراحی نظام مالیاتی می بایست به شرایط قانونی، فرهنگی و اجتماعی کشور از یک سو، و شرایط و مقررات کشورهای طرف معامله خارجی از سوی دیگر عنایت کافی شود تا بدین ترتیب تا حدی از فرار سرمایه به خارج از کشور جلوگیری به عمل آید.
۴. معافیت‌ها و تبعیض‌های مالیاتی به تدریج حذف گردند.

۵. گسترش عدالت مالیاتی از طریق برقراری معافیت‌های مالیاتی برای کالاهایی که مورد استفاده بیشتر گروه‌های کم درآمد جامعه است و در مقابل افزایش نرخ‌های تصاعدی در مورد کالاهای تجملی که مورد استفاده بیشتر گروه‌های پر درآمد جامعه است.
 ۶. گسترش پایه‌های مالیاتی به همراه تعدیل مالیاتی به نحوی که از یک سو سبب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت گردد و از سوی دیگر اختلالی در فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نکند.
 ۷. نرخ‌های مالیاتی می‌بایست عقلایی گردد.
 ۸. کاهش سطح و انواع نرخ‌های تعرفه‌ای وارداتی و حذف محدودیت‌های مقداری و استفاده از تعرفه به جای آن.
 ۹. استفاده صحیح از مالیات‌های تکلیفی بر حقوق و دستمزد و همچنین مالیات علی‌الراس برای آن دسته از مؤدیانی که اخذ مالیات از آن‌ها دشوار است.
 ۱۰. اختصاص کد اقتصادی و پستی به مؤدیانی از یک سو، و جمع‌آوری اطلاعات مؤدیانی از سوی دیگر، می‌تواند ضمن آشنایی منابع درآمدی و تشخیص وصول مالیات‌ها، کارایی تصمیم‌گیری نظام را افزایش دهد.
 ۱۱. نظام مالیاتی باید با توجه به تغییرات اقتصادی انعطاف پذیر باشد.
 ۱۲. در طراحی نظام مالیاتی باید نگرش منظم و سیستمی داشت و توجه نمود که اصلاح این نظام باید به دقت با سایر تصمیمات متخذه برای تعدیل ساختاری هماهنگ شود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۵).
- در ایران نیز، سازمان امور مالیاتی از ابتدای شکل‌گیری همواره مساعی خویش را در جهت افزایش رضایت مندی مودیان معطوف نموده و در این راستا کوشیده است با استقرار طرح جامع مالیاتی شکاف ایجاد شده میان وضع موجود و وضع مطلوب را به انحای مختلف برطرف نماید. یکی از چالش‌ها و معضلاتی که همواره سازمان امور مالیاتی با آن روبرو بوده است، موضوع تعیین و تشخیص درآمد مشمول مالیات از طریق علی‌الرأس می‌باشد زیرا این روش به ندرت متکی به اسناد و مدارک بوده و از آنجائیکه هزینه‌های مودیان نادیده گرفته می‌شود، با اعتراضات و نارضایتی آنان مواجه می‌گردد تا جایی که گاهی ممکن است عدالت مالیاتی را نیز خدشه دار سازد. از اینرو تعیین و تشخیص مالیات در بستر سازی عدالت مالیاتی نقش بسیار موثری را ایفا نموده و در واقع رابطه تنگاتنگی با روش تعیین مالیات دارد. بدین ترتیب هر قدر ماموران مالیاتی در تعیین مالیات دقت بیشتری از خود نشان دهند، جامعه به عدالت مالیاتی نزدیک و نزدیکتر می‌شود (پرهیزکاری، ۱۳۹۹).
- به بیان دیگر تعیین و وصول مالیات نباید به گونه‌ای باشد که مودی به خاطر پرداخت مالیات، از هستی خویش ساقط شود. لذا جهت صیانت از حقوق مودیان و رعایت منویات قانونگذار، هدف سازمان امور مالیاتی این است که ماموران تشخیص سعی نمایند برای تعیین مالیات ابتدا به رسیدگی اسناد و مدارک و دفاتر ابرازی مودیان اولویت داده و در صورتی که امکان رسیدگی به دفاتر وجود نداشت، روش علی‌الرأس را برگزینند. بر همین اساس و با

توجه به آثار و تبعات نامطلوب علی الرأس همچون افزایش فرار مالیاتی، طولانی شدن فرآیند وصول مالیات، عدم رعایت عدالت مالیاتی و... قانونگذار در اصلاحیه قانون مالیاتها مصوب ۳۱/۴/۱۳۹۴ سازمان امور مالیاتی را به ایجاد پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مودیان ترغیب نمود تا با استقرار آن بتواند مقدمات حذف روش علی الرأس را امکانپذیر نماید. زیرا با توجه به شرایط موجود، یکی از مشکلات اساسی سازمان امور مالیاتی، نبود و بعضا پراکنده بودن اطلاعات مودیان می باشد. جهت شناسایی مودیان، رسیدگی به پرونده های مالیاتهای مستقیم و ارزش افزوده و نیز جلوگیری از فرار مالیاتی، همانطور که قبلا نیز اشاره شد سازمان امور مالیاتی به بانک اطلاعات یکپارچه نیاز مبرم داشته تا از طریق آن بتواند اطلاعات درون سازمانی و برون سازمانی را کسب نماید. بمنظور آشنایی هر چه بیشتر در ذیل صدر ماده (۱۶۹) مکرر قانون مالیاتها آورده می شود.

بمنظور شفافیت فعالیت های اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مودیان مالیاتی شامل مواردی نظیر اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سرمایه ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می شود. وزارتخانه ها، موسسات دولتی، شهرداری ها، موسسات وابسته به دولت و شهرداری ها، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانک ها و موسسات مالی و اعتباری، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی که اطلاعات مورد نیاز پایگاه فوق را در اختیار دارند و یا به نحوی موجبات تحصیل درآمد و دارایی برای اشخاص را فراهم می آورند، موظف اند اطلاعات به شرح بسته های فوق را در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند. صاحب نظران علم مالیه معتقدند که عدم تحقق عدالت مالیاتی تنها در نتیجه روش رسیدگی علی الرأس حاصل نمی شود، بلکه این امر گاهی بموجب رفتارهای متفاوت و سلائق گوناگون ماموران مالیاتی نیز بوجود می آید. یکی دیگر از پروژه هایی که در سالهای اخیر در سازمان امور مالیاتی مطرح و بمورد اجرا درآمده، پروژه حسابرسی بر مبنای ریسک است که هدف اصلی آن رفع تبعیض های ناشی از بررسی های سلیقه ای اظهارنامه های مالیاتی می باشد. این پروژه به دنبال ملاکها، شاخص ها و مولفه های استاندارد شده است که بطور واحد در تمام کشور بتواند برای کلیه مشاغل و گروههای مختلف مودیان مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب می توان با مطالعات گسترده و اختصاصی که در چارچوب این پروژه برای هر گروه از مودیان انجام می گیرد معیارها و شاخص های ویژه هر گروه را برای محاسبه مالیات استخراج و استاندارد نمود و ماموران مالیاتی نیز بایستی صرفا براساس این استانداردها به مشخص کردن مالیات مودیان اقدام نمایند از اینرو اعمال سلیقه در بررسی پرونده های مالیاتی به حداقل رسیده و گامی بزرگ در زمینه دستیابی به رقم واقعی مالیات، کاهش فاصله ها و عدالت مالیاتی برداشته می شود. با توجه به بررسیهای بعمل آمده ملاحظه می شود که هم روش رسیدگی علی الرأس در تعیین درآمد مشمول مالیات و هم

برخوردهای دوگانه و چندگانه ماموران مالیاتی از مهمترین عوامل نارضایتی مودیان محسوب شده که در نهایت باعث عدم تحقق عدالت مالیاتی می‌گردد (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۷).

متولیان و دست اندرکاران سازمان امور مالیاتی معتقدند که رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان رضایت مندی و جلب اعتماد مودیان از یکسو و تمکین مالیاتی از سوی دیگر وجود دارد. به دیگر سخن هر چه مودیان رضایت مندی بیشتری از نظام مالیاتی داشته باشند به همان نسبت تمکین مالیاتی افزایش و در مقابل هزینه وصول مالیات کاهش خواهد یافت که در نهایت این امر به افزایش درآمدهای مالیاتی منتج می‌گردد. ذکر این نکته ضروری است که برای افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در وهله نخست می‌بایست درجه ی اعتماد و رضایت مندی مودیان افزایش یابد. گفتنی است تحقق این امر فقط در گرو تشخیص دقیق درآمد مشمول مالیات و تعیین مالیات حقه امکانپذیر بوده، که لازمه آن داشتن اطلاعات دقیق از فعالیتهای مودیان و اسناد و مدارک آنان می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که هر چه امکان دسترسی ماموران مالیاتی به اطلاعات مربوط به درآمدزایی فعالان اقتصادی بیشتر شود به همان نسبت آنان دقیق تر می‌توانند مالیات مودیان را محاسبه نمایند. این امر نه تنها کاهش اعتراضات مودیان را فراهم می‌نماید، بلکه سازمان را در نیل به یکی از اهدافش که همانا تحقق عدالت مالیاتی و افزایش کارایی مالیاتی است، رهنمون می‌سازد.

بحث

از دیدگاه توسعه نیز، مالیات‌ها ابزار مؤثری برای مقابله با تقاضای اضافی برای کالاهای مصرفی که در جریان توسعه اقتصادی ایجاد می‌شود و در نتیجه برای کنترل فشارهای تورمی در داخل اقتصاد می‌باشد. همچنین مالیات‌ها در ایجاد انگیزه لازم برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این خصوص مالیات‌های تصاعدی بر درآمدهای بالاتر می‌تواند ابزار مؤثری برای جمع‌آوری پس‌اندازهای اجباری و کاهش مصرف بخش خصوصی و انتقال قدرت خرید مصرف‌کنندگان بخش خصوصی به دولت باشند. دولت می‌تواند از این منابع درآمد برای تکمیل سرمایه‌گذاری‌های خاصی استفاده کند که آن‌ها را برای اقتصاد به ویژه در بلندمدت کارا می‌داند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند سطح و کیفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در آینده تا حد ممکن افزایش دهند. در این راستا دولت می‌بایست نرخ مالیات را در سطحی تعیین کند که مازادی برای بخش خصوصی و حتی مؤسسات دولتی در جهت افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری باقی بماند. نقش دیگر مالیات‌ها، کاهش شکاف درآمدی بین گروه‌های متعدد جامعه است. همچنین مالیات‌ها باید موجب بسیج مازاد تولید اقتصادی برای توسعه، استمرار و گسترش ابعاد آن شوند و در کانال‌های مولد جامعه مورد استفاده قرار گیرند. در این خصوص به هنگام وضع مالیات می‌بایست به دو اصل استفاده از خدمات و توانایی پرداخت توجه شود. اصل استفاده از خدمات بر پایه‌ی استفاده منافع ناشی از خدمات استوار است. اصل توانایی پرداخت نیز نوعی شیوه‌ی اخذ مالیات را نشان می‌دهد که براساس آن بار مالیاتی

باید با توجه به توانایی افراد جامعه سرشکن شود. از این رو ضروری است تا دو مقوله کارایی و عدالت مالیاتی در کشور مورد بررسی قرار گیرد.

بر همین اساس، مالیات به عنوان اساسی‌ترین رکن درآمدهای دولت از اهمیت خاصی برخوردار بوده و برنامه‌ریزی برای به فعل‌رسانی ظرفیت‌های بالقوه آن برای افزایش درآمدهای مالیاتی کشور لازم است. از این رو، برای دستیابی به این مهم، کشور به یک نظام مالیاتی کارآمد، عادلانه، مؤثر، کارا، یکپارچه و نظام‌مند نیاز دارد تا بتواند در یک دوره زمانی کوتاه‌مدت دولت را به اهداف عالیه عدالت مالیاتی برساند. به همین جهت بررسی و شناسایی مشکلات موجود نظام مالیاتی با توجه به وضعیت و شرایط کنونی برای تسریع در امور آن حیاتی است و از اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش عمومی کشور به شمار می‌آید، تا از این رهگذر بتوان با یک بازنگری و روش‌شناسی بهنگام تحول و دگرگونی در نظام مالیاتی کشور ایجاد کرد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

از دیدگاه توسعه نیز، مالیات‌ها ابزار مؤثری برای مقابله با تقاضای اضافی برای کالاهای مصرفی که در جریان توسعه اقتصادی ایجاد می‌شود و در نتیجه برای کنترل فشارهای تورمی در داخل اقتصاد می‌باشد. همچنین مالیات‌ها در ایجاد انگیزه لازم برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این خصوص مالیات‌های تصاعدی بر درآمدهای بالاتر می‌تواند ابزار مؤثری برای جمع‌آوری پس‌اندازهای اجباری و کاهش مصرف بخش خصوصی و انتقال قدرت خرید مصرف‌کنندگان بخش خصوصی به دولت باشند. دولت می‌تواند از این منابع درآمد برای تکمیل سرمایه‌گذاری‌های خاصی استفاده کند که آن‌ها را برای اقتصاد به ویژه در بلندمدت کارا می‌داند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند سطح و کیفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در آینده تا حد ممکن افزایش دهند. در این راستا دولت می‌بایست نرخ مالیات را در سطحی تعیین کند که مازادی برای بخش خصوصی و حتی مؤسسات دولتی در جهت افزایش کیفیت سرمایه‌گذاری باقی بماند. نقش دیگر مالیات‌ها، کاهش شکاف درآمدی بین گروه‌های متعدد جامعه است. همچنین مالیات‌ها باید موجب بسیج مازاد تولید اقتصادی برای توسعه، استمرار و گسترش ابعاد آن شوند و در کانال‌های مولد جامعه مورد استفاده قرار گیرند. در این خصوص به هنگام وضع مالیات می‌بایست به دو اصل استفاده از خدمات و توانایی پرداخت توجه شود. اصل استفاده از خدمات بر پایه‌ی استفاده منافع ناشی از خدمات استوار است. اصل توانایی پرداخت نیز نوعی شیوه‌ی اخذ مالیات را نشان می‌دهد که براساس آن بار مالیاتی باید با توجه به توانایی افراد جامعه سرشکن شود.

منابع

احمدی، اسمعیل، و زاینده رودی، محسن و رییس پور، علی و شکیبایی، علیرضا (۱۳۹۶)، بررسی کارایی نظام مالیاتی استان‌های کشور به تفکیک پایه‌های مالیاتی با رهیافت تحلیل پوششی داده‌ها، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۲۲، شماره ۷۳، صص ۱۰۶-۸۳.

امین رشتی، نارسیس و ارشد، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی کارایی سیستم مالیاتی در ایران با توجه به وقفه‌های مالیاتی، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۵۹-۱۳۹.

برزگر، بهروز و قرباغی، حسن و سپه‌وند، فرزانه و برزگر، بهزاد (۱۳۹۷)، بررسی نقش عدالت مالیاتی از دیدگاه نهج البلاغه و تاثیر آن در اقتصاد مقاومتی، دوازدهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.

پرهیزکاری، سیدوحید رضا (۱۳۹۹)، تعریف و کارکرد عدالت مالیاتی چیست؟، گزارش تحلیلی، ۱۸ شهریور ۱۳۹۹.

پورغفار، جواد و حسین زاده، حجت (۱۳۹۴)، تقابل عدالت و کارایی: اندازه‌گیری تأثیر نابرابری و مالیاتها بر رشد اقتصادی در ایران، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۵۲-۳۹.

جلالوند، وحید و شهیکی، محمد نبی (۱۳۹۲)، بررسی و سنجش کارایی نظام مالیاتی ایران در برنامه‌های توسعه (رویکرد منطق‌فازی)، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۷، شماره ۲۴.

شهسواریان، مهسا و شعبانی، میثم (۱۳۹۹)، آشنایی با مفهوم مالیات، عدالت مالیاتی، اصول نظام مالیاتی کارآمد چالش‌های نظام مالیاتی ایران، <https://www.isna.ir/news/>، ۸۷۰۴-۰۶۵۹۵.۷۰۹۹۹.

سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۷)، کارایی نظام تشخیص مالیات در تحقق عدالت مالیاتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۳۹۷.

غفاری، هادی و نوری، معصومه و یونسی، علی (۱۳۹۵)، سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثر آن بر رشد اقتصادی کشور، اقتصاد کلان، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۱۷۷-۱۵۵.